

نویسنده : نیکولاس جی.اس.دیویس (Nicolas J.S.Davies).
منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «01-11-2017».
برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

امریکا چگونه هرج و مرج را در جهان گسترش

میدهد

How America spreads Global Chaos

دولت ایالات متحده امریکا ممکن است چنین وانمود سازد که آن دولت یک نظم جهانی را مبتنی بر «قواعد» احترام گذاشته است ؛ اما تنهابه نظر آنها اینچنین به نظر می رسد که نظریه واشنگتن ممکن است درست باشد و سازمان (سی آی ای) از مدت های طولانی بعنوان آغازگر وبه حیث یک ناظر اصلی خدمت کرده است .

نوشته توسط : نیکولاس جی.اس.دیویس

همانطور که اسناد موجود اخیر خدمات پخش عمومی (PBS) در مورد جنگ امریکا در ویتنام اذعان میدارد ویا خاطر نشان میسازد ؛ تعداد کمی از مقامات امریکایی در آن وقت معتقد بودند که ایالات متحده امریکا در این جنگ برنده شود یعنی نه آنها ی که به جانسون (Johnson) توصیه میکردند که به صدها هزار تن از نیروهای امریکایی را بغرض جنگ به ویتنام اعزام کند ویا هم آن کسانیکه به نیکس (Nixon) مشوره میدادند که به بمباران هوایی نیروهای هوایی امریکا بالای مردم ویتنام شدت بخشد ؛ بمبارانی که میلیون ها انسان را در آن سرزمین به کام مرگ فرو برد .

طوریکه از مکالمات ضبط شده موجود در کاخ سفید شنیده میشود ویا همانطوریکه دیگر نویسندگان به ارتباط جنگ ویتنام دستنویس ها ومقالات واسنادی را بجا گذاشته اند؛ دلایل وشواهد غرق شدن این موهام (جادوگر) بزرگ را تداعی میکند قسمیکه **پیت سیگر (Pete Seeger)** آنرا هجوه میکرد که بعد از آن بدون در نظر گرفتن همه این موارد حاکی از آن بود که اعتبارسیاستمداران درگیر در جنگ ویتنام واعتبار بین المللی ایالات متحده امریکا بعنوان یک قدرت نظامی روبه وفول بود یعنی که اعتبار ایالات متحده امریکا کاسته شده بود .

هنگامیکه سازمان (سی آی ای) بکار وبه فعالیت در ویتنام بغرض تضعیف موافقتنامه های (1954) ژنیوا آغاز کرد وضد برنامه های توحید مجدد ویتنام شمالی و ویتنام جنوبی که از راه انتخابات آزاد ومنصفانه در سال (1956) برگذار شده بود موانع ایجاد میکرد آنوقت در ویتنام مرگ با زی میکرد چونکه سازمان سیا از رژیم سرکوبگر وجنگ

طلب دیم (Diem) واز جا نشینان آن رژیم حمایت میکرد و جنگ با گذشت هر روز شدیدتر میشد بویژه که در ویتنام جنوبی شورش مردم بیشتر و در حال افزایش بود شورشی که از طرف ویتنام شمالی حمایت میشد تا جاییکه حتی هیچ یک از روسای جمهور ایالات متحده آمریکا قادر نبودند ویا نمیتوانستند که از این با طلاق جنگ نیروهای جنگی متهاجم خود را بیرون آورند ویا قادر نبودند که در شمارش جنگجویان ویا سربازان خود محدودیت را بوجود آورند ؛ لذا این مقامات و حلقهات توانمند کاخ سفید از خیانت به اسطوره های ملی کشورشان نیز دریغ نورزیدند و بخاطر سود و نفع خود و تامین سود و منفعت قدرتمندان که اینها را براریکه قدرت نشانده بود خدمت گذاری کردند.



درسهای مهم از جنگ ویتنام توسط ریچارد بارت (Richard Barnett) در کتاب منتشره تحت عنوان **ریشه های جنگ** در سال (1972) بگونه فشرده تذکر داده است و او در جای از این نشریه خود مینویسد که یک ملت شماره یک جهان بصورت کامل و مطلق به قتل دانش علمی دست بکار شده است که با این عمل خود تبدیل به یک ابزار غیر عملی از سلطه ای سیاسی شده است .

شکست و باختن جنگ در ویتنام ضربه ای سنگین به سازمان (سی آی ای) و مجتمع صنعتی نظامی ایالات متحده آمریکا بود . و شکست آمریکا در این جنگ باعث آن شد که هر امریکایی عزیزترین و نزدیکترین عزیزان و دوستان خود را از دست دادند . ، اکثر شان زخمی و معیوب شدند ؛ اما این شکست بیش از یک دهه برای آمریکا و برای جهان یک فرصت آرامش نسبی را به ارمغان آورد . پس اگر هدف ارتش ایالات متحده آمریکا دوری و نجات از خطر جنگ باشد ؛ آنطوریکه رهبران با صلاحیت ما اغلباً ادعا میکنند ویا مدعی اند که آنها درصد تا مین صلح هستند پس میتوان گفت که «سندروم ویتنام» یا بی میلی به درگیری جنگ های جدید و تلاش بخاطر تا مین صلح بی تردید باعث نجات زندگی بی شماری از مردم شده میتواند .

تا جاییکه حتی که نیروهای ارتش ایالات متحده آمریکا با در نظر داشت نیل به این خواسته تلاشهای چندی را بخرچ دادند ؛ چونکه بسیاری از آنها از جنگ ویتنام وحشت

زده شده بود ندوتوانستند که بعنوان افسران جوان جان به سلامت ببرند حالانکه سازمان «سی آی ای» تا همین اکنون صرف نظر از درس شکستی که در ویتنام نصیب اش شد در امریکایی لاتین و در اکثر جا های دیگر دست به ویرانی و تخریبکاری میزند و آرامش مردم را به شکل از اشکال از بین میبرد. و نیروهای مخرب و خرابکار ارتش امریکا بدون گرفتن درس عبرت از شکست در جنگ ویتنام مجدداً در سال (1989) به جنگ در پانامه و در سال (1991) به جنگ اول در خلیج فارس پرداخت.

ما بطور غم انگیز و بگونه ای تراژیک بعد از گذشت نیم قرن از جنگ ویتنام به دایره دیگری از جدال و ستیزه جویی پا گذاشتیم؛ و آنهم با در اختیار گذاشتن اطلاعات سیاسی توسط سازمان «سی آی ای» در واشنگتن که به تاسی از بدست آوردن این اطلاعات؛ حاکمان بسر اقتدار و اشنگتن به سازمان «سی آی ای» مجوز میدهند که آن سازمان به گسترش عملیات های مخفی و پنهانی خود بپردازد؛ خشونت و هرج و مرج را در هر قاره از این جهان گسترش دهد. تا جاییکه اکنون دونالد ترومپ رییس جمهور ایالات متحده امریکا فشارهای مشابهی را برای حفظ اعتبار و اقتدار خود و اعتبار کشور خود؛ راه و روش روسای جمهور سابق امریکا هریک جانسون (John son) و نیکسن (Nixon) را دنبال میکند؛ واکنش قابل پیش بینی دونالد ترومپ در این راستا این است: که او جنگ های فعلی در سوریه، عراق، افغانستان، یمن، سومالی، و غرب افریقا را وسعت و گسترش میدهد و تهدید جدید را علیه کره شمالی، ایران و ونزوئلا سردست گرفته است.

ترومپ نه تنها همچو که روسای جمهور سابق امریکا مواجه به سوالات چندی در مورد جنگ ویتنام بودند بلکه او یعنی دونالد ترومپ همین اکنون مواجه به سوالات زیاد به نسبت تداخل امریکا در جنگ ها در سراسر جهان و در چندین کشور از جهان میباشند. که علاقمندی دونالد ترومپ به ماندگاری و گرم نگهداشتن روند این جنگ ها او را بجای رسانده است که باید چرخه بحران و جنگ را که در طول زمان بیشتر وصف تهاجمی را بخود اختیار کرده است و نسبت به گذشته بیشتر تهاجمی گردیده است نگهدارد. همانطوریکه ایزنهاور هشدار داده بود که باوجود به پایان رسیدن جنگ سرد و عدم مواجهه شدن ایالات متحده امریکا به تهدید نظامی از سوی کدام قدرت و نیروی نظامی باز هم نباید در این راستا غفلت کرد و هوشیاری را در امر تامین سلامت امریکا از دست داد.

با احساس ترس و رعب و بگونه ای وحشیانه و اما قابل پیش بینی ناشی از سیاست جنگ تجاوزکارانه و غیر قانونی ایالات متحده امریکا میتوان به این نتیجه رسید که بالاخره و در نهایت امر یک تهدید نظامی واقعی علیه ایالات متحده امریکا باید نضج گیرد که همچو تهدید خود ناشی از سیاست تجاوزکارانه و جنگ طلبانه خود امریکا میباشد. همانطور که من در مقاله اخیر خود توضیح دادم که مقامات کوریایی شمالی

بعد از کشف و درک توطیه ای چیده شده توسط امریکا مبنی بر قتل ریس جمهور کوریا آقای **کیم جونگ یون (Kim jong Un)** و براه انداختن جنگ دوم کره؛ مقامات کره شمالی را تحریک کرد که به توسعه برنامه های موشک های با لیستی بُرد خود توجه نماید تا جایکه بتواند فاصله گذار آنرا تا قلمرو ویا تا سرزمین اصلی ایالات متحده امریکابرساند چونکه کوریایی شمالی از حملات طرف مقابل احساس امنیت نمیکند و کره شمالی تا زمانیکه این اطمینان را بدست نیاورد که موشک های اش تا سرزمین ایالات متحده امریکا میتواند برسد به همچو تمرینات و توسعه برنامه موشکی خود ادامه خواهد داد.

بها نه سازی «سی آی ای» ایالات متحده امریکا برای جنگ :

دگروال فلیتچر پرویتی (Fletcher Prouty) از کارمندان سابق نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا که سرپرست عملیات های بویژه برای ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا در سالهای (1995) تا (1964) بود سیستم حمایتی نظامی (سی آی ای) را دروینتام و در سراسر جهان مدیریت میکرد به ارتباط تیم مخفی و پنهانی کتاب را تحت عنوان (سی آی ای) و متحدان نزدیک سیا در کنترل همه نهادهای ایالات متحده امریکا و جهان به بار اول در سال (1973) بدست نشر سپرد که او با نشر این کتاب تحت تهدید قرار گرفت. و هزاران نسخه این کتاب از تمام کتابخانه ها و کتاب فروشی ها بسرعت ناپدید شد، اما دگروال **پرویتی** بطور پنهانی و اسرار آمیز این کتاب را خریداری کرد و به تعداد (3500) نسخه آنرا به استرالیا فرستاد و بعداً نسخه اصلاح شده ای این کتاب در سال (2011) دوباره به نشر رسید. که در این کتاب نقش (سی آی ای) را از نظر تاریخی در سیاست ایالات متحده امریکا مفصلاً توضیح داده است.

پرویتی همچنان در این کتاب خود نقش شگفت آوار سازمان سیا (سی آی ای) را بعنوان پاسخی از سوی اشخاص قدرتمند و صاحب صلاحیت و فسخ علاقمندی دیپارتمنت جنگ ایالات متحده امریکا و ایجاد وزارت دفاع امریکا در سال (1945) را همه جانبه توضیح و توصیف نموده است.

موضوع قابل تذکر دیگر اینکه زمانی که نقش ارتش امریکا بعنوان یکی از نهاد دفاعی با توجه به ممنوعیت منشور سازمان ملل متحد در سال (1945) در برابر تهدید ویا استفاده از نیروی نظامی و حرکت مشابه توسط سایر نیروهای نظامی بمثا به ویا به نوع بحران یا تهدید بغرض توجیه استفاده از نیروهای نظامی در آینده که از نظر قانونی و سیاسی به آن نیاز است بازنگری شد که هدف اصلی (سی آی ای) همانطوریکه **پرویتی** آنرا بملاحظه میگیرد و یامی بیند این است که سازمان سیا (سی آی ای) برای ایجاد و آغاز جنگ در اینجا و در آنجا باید چنین پیشنهادهای را روی دست گیرد، سازمان سیا (سی آی ای) ترکیبی از یک سرویس خبری و اطلاعاتی است که به جمع آوری و جمع بندی و تجزیه

وتحلیل اطلاعات خارجی می پردازد و در عین زمان یک نهاد دویا یک سرویس مخفی است که عملیاتهای اطلاعاتی مخفی را انجام میدهد که این هر دو عملکرد بخاطر ایجاد و آغاز جنگ ضروری پنداشته میشود. و این نحوه کاری است که سازمان سیا (سی آی ای) طی (70) سال به همچو عمل دست میزند ویا که نحوه کار این نهاد است.

پریویتی توضیح میدهد که سازمان (سی آی ای) چگونه در ارتش ایالات متحده امریکا، در وزارت امور خارجه، در شورای امنیت ملی و در سایر نهادها دولتی امریکا نفوذ میکند و کارمندان ویا افسران مربوط به نهاد خود را در مقامهای کلیدی و جاههای اسرار آمیز قایم مقام میسازد تا آنکه اطمینان حاصل کند که برنامه های سکیچ شده اش به نحو درست و تایید و تاکید شده تحقق می یابد و بغرض رسیدن به این اهداف، نیروهای کاری ویا فعالین خود را از هر نقطه ای نظر با وسایل و لوازم ضروری کاری مجهز میسازد.

از جانب دیگر سازمان (CIA) افسران ماهر اطلاعاتی بازنشسته مانند **رای مگووین (Ray McGovern)** و اعضای افسران اطلاعاتی هوشمند کهنه کار و با تجربه و حرفه ای (VIPS) را برای تدارک عملیات های مخفی و برای تحلیل و تجزیه از سیاست گذاری های فاسد عینی در یک دیپارتمنت تحت کنترل خود با هم مدغم ساخته است چنانچه که این جانبازان هوشمند کهنه کار و حرفه ای (VIPS) در سال (2003) در واکنش به اطلاعات سیاسی پیش زمینه های کاذب را برای ایالات متحده امریکا بغرض حمله و تجاوز و نابودی عراق به ارمغان آورد.

(سی آی ای) در سوریه و آفریقا:

اما فلچر پریویتی حتی بیشتر نسبت به شیوه و روش های «سی آی ای» که در عملیات های مخفی برای برآوردن کودتاها؛ جنگ ها و هرج و مرج ها در سراسر جهان بکار میبرد آشفتگی و پریشان خاطر می باشد. جنگ کشوری و نیابتی در سوریه نمونه ای کامل از آنچه که پریویتی به مفهوم آن می فهمد می باشد یعنی یک جنگ مدنی و نیابتی است. بعد از ویرانی و تخریب و قتل و حشیا نه **معمر القذافی** در لیبی سازمان سیا «سی آی ای» و متحدان اش در اواخر سال (2011) -جنگجویان مزدور و تحت فرمان خود را مجهز با سلاح های در دست داشته ای شان به پرواز هواپیماها از لیبی به ترکیه و از آنجا به سوریه فرستاد تا در صفوف عناصر ضد دولت سوریه بپیوندند. و بعداً سازمان سیا در تنظیم و برآوردن عملیات های نظامی ضد دولت سوریه به کمک متحدان نزدیک خود اعم از عربستان سعودی، قطر، ترکیه، کرواسی، و سایر متحدان دیگر خود دست بکار شد و هزاران تن سلاح ها را در مرزهای سوریه به آتش کشید و یک جنگ داخلی کاملاً عیار را در آن سرزمین برآورد.

هنگامیکه سازمان سیا (سی آی ای) این عملیات مخفی را در سوریه انجام میداد تا آن

زمان در یک وابستگی مخفی سازمان القاعده وحشی (جبهه النصره که در حال حاضر بعنوان جبهه فتح الشام نامگذاری شده) را در سوریه آزاد گذاشت تا تولید مثل کند و دولت چون (دولت اسلامی افراطی) بمراتب وحشی تر را بوجود آورد. و در این راستا این ایالات متحده امریکا است که بعد از جنگ ویتنام سنگین ترین و مرگبارترین بمب گذاری را در سوریه انجام میدهد تا جا یکه پای ملیشه های روسیه ، ایران ، ترکیه ، اسرائیل ، اردن ، حزب الله ، شبهه نظامیان کرد و تقریباً هر گروه و یا گروه های مسلح از خاور میانه به هرج و مرج و جنگ داخلی در سوریه می کشاند.

طوری که همین اکنون القاعده و دولت اسلامی افراطی عملیات های خود را در سراسر قاره افریقا گسترش داده اند و با در نظر داشت همین اصل **سا زمان ملل متحد یک گزارشی را در تحت عنوان سفر به افراط گرایی به افریقا به نشر سپرد.** و در این گزارش چنین توضیح شده است که انگیزه و نقطه قوت پیشبرنده و راننده این برنامه چنین بوده که بغرض استخدام ستیزه جویان افریقای در حدود (500) مصاحبه بخاطر جلب آنها صورت گرفته است و همچنان مطالعه این گزارش نشان میدهد که نوع عملیات ویژه و ماموریت های آموزشی را که سازمان سیا (سی آی ای) و افریکوم (Africom) به ستیزه جویان در افریقا انجام دادند از طرف آنها مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته است. و این زمانی است که بحران در نقطه «اوج» خود قرار داشت ؛ تاجاییکه افریقای ها را متمایل ساخت تا که به گروه های ستیزه جوی مثل القاعده ؛ الشباب و بوکوحرام بپیوندند.

این گزارش همچنان نشان میدهد که اقدام دولت مثل کشتن یا بازداشت دوستان یا خانواده ها در نقطه اوج خود قرار داشت ؛ که این عمل دولت موجباً تی را برابر ساخت که (71) فیصد از مصاحبه شده گان افریقای به گروه های مسلح بپیوندند. تاجاییکه این خود عامل مهمتر از ایدیولوژی مذهبی بود.

نتیجه گیری از سفر افراط گرایی در افریقا ؛ دستاورد های از مطالعات مشابه دیگر را نیز تا بید میکند و در یک مطالعه ای که در مرکز ملکی های مخالف با (250) غیر نظامی در سال (2015) صورت گرفت کسانی بودند که با گروه های مسلح در بوسنی ، سومالی ، غزه ، ولیبی پیوستند. و از سوی دیگر زمانیکه دیدگاه های مردم را مبنی بر مشارکت غیر نظامیان در منازعات مسلحانه مورد بررسی قرار دادند این بررسی نشان داد که شایع ترین انگیزه پیوستن غیر نظامیان به گروه های مسلح صرفاً برای حفاظت از خود و از خانواده های شان بود.

نقش عملیات ضد «تروریسم» ایالات متحده امریکا در بوجود آوردن و یا در تحریک مقاومت مسلحانه و تروریسم نبود یک برنامه ای برای کاهش خشونت نامتقارن ناشی از جنگ سرتاسری جهانی علیه تروریسم هرگز باعث تعجب پریوتی نخواهد شد آنگونه که او توضیح میدهد که چنین عملیات های مخفی سازمان سیا (سی آی ای) همیشه

بخاطر زندگی کردن خودشان صورت میگیرد درحالیکه به هیچ یک از اهداف سیاست منطقی ایالات متحده آمریکا مرتبط نمی باشد و اغلباً مخالف سازندگی چیزی دیگری هم نمیتواند باشد.

پریویتی می افزاید و می نویسد: به هر اندازه که به همچو فعالیت ها متمرکز شویم و یا بیشتر دقت نمایم به همان اندازه بیشتر می فهمیم و یا بیشتر درک میکنیم که چنین عملیات ها به ندرت حتی اگر از قبل هم در نظر گرفته شده باشد درقبال دستیابی به اهداف ملی در اولویت خود قرار میگیرد.

ایالات متحده آمریکا استقرار ویا جا بجا کردن (6000) نیروهای ویژه و مربیان نظامی خود را در (54) کشور افریقای در (53) مورد بعنوان پاسخ به تروریزم توجیهه میکند اما مطالعه سفر ملل متحد به افراط گرایی (گذارش ملل متحد) در افریقا روشن می سازد که ارتش آمریکا در قاره افریقا در نقطه اوج خود است که در واقع اکثر افریقای ها را در سراسر قاره و امیدارد ویا تحریک میکند که به گروه های مقاومت مسلحانه بپیوندند.

این یک کتاب درسی ویا یک کتاب رهنمای کننده عملیات های (سی آی ای) است که همچو عملیات ها مشا به مدل عملیات های مخفی که در ویتنام توسط «سی آی ای» در اواخر سال (1950) و اوایل سال (1960) صورت میگرفت میباشد و سازمان سیاه همچو عملیاتهای مخفی ویا پرکسی را به کمک کارمندان آموزش دیده و حرفه ای خود انجام میدهد که جمعیت محلی را در گروه های مقاومت مسلح قرار میدهد و بعداً حضور این گروه های مقاومت را برای حضور نظامیان ارتش آمریکا شدیداً توجیه مینماید که دخالت نظامی آمریکا از سلسله دخالت های که در ویتنام صورت گرفته بود در مقیاس قاره است.

با توجه به چین: آنچه که در واقعیت رژیم نظامیگر سازمان سیا (سی آی ای) را در سیاست ایالات متحده آمریکا در قاره افریقا به تحرک و انگیزه وا داشته است نفوذ روبه رشد (چین) در قاره افریقا است؛ هما نظوریکه **ستیف بونین** (Steve Bannon) به ارتباط این موضوع با اقتصاد دانان در ماه اگست گفت: بیا بید پیچ یکی از جاده ها را ببندیم.

چین در حال حاضر برای ایالات متحده آمریکا با در نظر داشت دکترین لیدن (Leeden) نظریه پرداز نیوکان ها (neoconservatives) و کارشناس اطلاعاتی؛ بیش از حد کشور بزرگ و توانا است و حسب تذکر او یعنی مایکل لیدن (Micheal Leeden) آنطوریکه او در مورد گفته: آمریکا هر ده سال بعد ویا بیشتر از آن یک کشور فقیر و نا توان و کوچک را برمی گزیند؛ و رُخ آنرا بسوی دیوار میکند و به مردم نشان میدهد که ما اهل تجارت و کسب و کار هستیم.

اکنون «چین» یک کشور فوق العاده قدرتمند و توانا و مجهز به سلاح هستوی است ؛ لذا همین موقف بالای «چین» است که سازمان (سی آی ای) ایالات متحده امریکا مذبحا نه در جدوجهد است تا اگر بتواند در راه توسعه و انکشاف و گسترش تجارت «چین» در قاره افریقا و بساجاهای دیگر موانع خلق نماید ، پس با در نظر داشت این هدف است که ایالات متحده امریکا میخواهد دولت های افریقایی را بطور فزاینده وابسته به کمک های نظامی خود سازد و گروه های ستیزه جوی افریقای را در تحت رهبری خود بوسیله بکاربرد عملیات های «ضد تروریزم» برای مبارزه آماده سازد.

لذا نه لیدن (Leeden) و نه هم بنون (Bannon) وانمود میکنند که این چنین سیاست ها برای ساخت جوامع آسوده حال و پر رونق و قابل اعتماد نه درخا و در میانه و نه هم در افریقا طراحی شده و یا مطمح نظر است که بتواند به نفع مردمان آن کشورها با شد یعنی که چنین سیاستی را وانمود و یا پیشکش نکرده اند که در تا مین منافع مردم موثر واقع شود چونکه آنها (لیدن و بنون) هر دو بخوبی میدانند که **ریچارد بارنیت (Richard Barnett)** ؛ «45» سال پیش فهمیده و درک کرده بود که ایالات متحده امریکا بصورت بی پیشینه و بی سابقه در بخش های تجهیز سلاح ها ، جنگ ها و در بخش عملیات های مخفی سازمان (سی آی ای) سرمایه گذاری کرده و این نوع سرمایه گذاری را چیزی مفید برای کشتن مردم نابود کردن زیر ساختها ، تخریب شهرها ، ایجاد هرج و مرج در جوامع بشری و گسترش فقر و ناداری و تنگدستی و ناامیدی و بیجا شدن مردم میدانست.

فلذا تا زمانیکه سازمان (سی آی ای) و ارتش ایالات متحده امریکا به نسبت خطرات ناشی از سیاست های شکست خورده خود در بحران اقتصادی ، خشونت و هرج و مرج سقوط نکند تا آن زمان ایالات متحده امریکا و انگلستان میتواند بعنوان پناهگاه امن و اطمینان ثروتمندان و جزایر امتیاز باقی بماند . و دیگران را در میان آن طوفانها رهها کنند که می باید خودشان در آن طوفانها رهها میشدند .

پس اگر این یگانه اهداف ملی قابل توجه باشد کسی که این پالیسی را به پیش میبرد یا دنبال میکند در انصو مطمیناً برای (99) درصد امریکایی ها زمان لازم می افتد که از این طرح های قتل عامی که سازمان (سی آی ای) و متحدان اش در نظر دارند آنرا بکار ببرند و قبل از آنکه همه در اثر این عمل سیا (سی آی ای) نا بود شوند بتوانند از آن جلوگیری بعمل آورند ، تا که جهان بدون شکنن و فارغ از هرگونه ناسازگاری را داشته باشند که همه و همگی بدون کدام مزاحمت پهلوی یکدیگر چه که امریکایی و یا چه که خارجی ها باشند زندگی آسوده ای را سپری کنند .

دوگلاس والننتین (Douglas Valentin) شاید یگانه روزنامه نگار امریکایی در میان همه روزنامه نگاران امریکایی باشد که در مورد شناخت و معرفی سازمان سیا (سی آی ای) بیشتر و عمیقتر تجسس کرده و یا در مورد آن سازمان بیشتر مطالعات عمیق نموده باشد .

او مطالعات خود را به ارتباط سازمان سیا (سی آی ای) هنگام تدوین کتاب تحت عنوان برنامه ققنوس در ویتنام شروع کرد و او در این اواخر یک کتاب جدید زیر نام (سیا = سی آی ای) بعنوان جرم و جنایت سازمان یافته نوشته است و آن اینکه ایالات متحده آمریکا با عملیات های غیرقانونی خود چگونه جهان را تخریب و ویران میکند ؛ او همچنان در این نوشته های خود نظریات تحلیلیگران مثل گفته های **فلتچر پریوتی (Prouty)** را با در نظر داشت اوضاع کنونی جهان به تحلیل و تجزیه گرفته و یک توضیح همه جا نبه را به ارتباط وضع موجود به ارمغان آورده است . که شامل نقش (سی آی ای) در جنگ های کنونی و راه های را که این سازمان برای نفوذ خود در تداخل به سیاست آمریکا بر میگزیند و یا که چطور در سیاست آمریکا دستکاری میکند توضیح داده است .

سه سپر بلا (the three scapegoats):

ریس جمهور دونالد ترومپ حین سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ؛ کره شمالی ، ایران و ونزوئلا را بعنوان هدف و استراتژی اصلی خود بخاطر بی ثبات ساختن ، آغاز جنگ اقتصادی و در نهایت سرنگونی حکومت آن دولت ها را چه بواسطه بکارگیری کودتا ها ، کشتار جمعی مردم غیر نظامیان و یا تخریب زیر ساخت های آنها عنوان کرد ؛ اما انتخاب ترومپ از به سرزنش کردن این کشورها برای شکستها و ناکامی های آمریکا اشکاراً بر اساس یک ارزیابی منطقی از اولویت های سیاست خارجی اداره او نیست ؛ بلکه این سیاست **دونالد ترومپ** فقط بازخوانی خسته کننده از کسب و کار ناتمام (سی آی ای) توام با دوسوم از محور شرارت دبلویو جورج بوش و شکست الیوت ابراهم (Elliott Abrams) مسول کاخ سفید بوش در کودتای سال (2002) در کاراکاس که همین اکنون آن کشور با تهدیدات اشکار و تجاوز غیر قانونی مواجه است چیزی دیگری نیست .

در اینجا سوالی بوجود می آید که چطور **دونالد ترومپ** و سازمان (سی آی ای) قصد دارند که سه سپر بلاهای که موجب شکستهای باقیمانده قابل دید آمریکا خواهد شد از بین بردارند . اما باید خاطر نشان ساخت که اکنون سال (2001) نیست که جهانیان بعد از وقوع یازدهم ماه سپتمبر وقتی که ایالات متحده آمریکا با بمب گذاری های خود بالای افغانستان تجاوز و آن کشور اشغال کرد خاموش باقی بمانند و از جای خودتکان نخورند . اما اوضاع کنونی شبیه به سال (2003) است زمانیکه ایالات متحده آمریکا عراق را تخریب و ویران کرد ، ائتلاف اتلانتیک را بینهم تقسیم کرد و اکثر جهانیان را از خود بیگانه ساخت مطمئناً که اکنون سال (2011) هم نیست که (اوباما) بعد از تهاجم برافکار عامه جهان آمریکا را با متحدان اش دوباره باز سازی کند و زمینه پوشش را برای ریس جمهور فرانسه **سارکوزی** ، نخست وزیر بریتانیا **کامرون** ، **هیلاری کلنتون** وزیر امور خارجه آمریکا ، شاهان کشورهای عربی فراهم آورد که به نابودی لیبی یگانه کشور توسعه

یافته در قاره افریقا بپردازند آنچنانیکه اکنون در این کشور هرج و مرج در نقطه اوج خود رسیده است – پس تجاوز و حمله ایالات متحده امریکا در سال (2017) به هر کدام از این سه سپر بلا ها (کره شمالی ، ایران و ونزوئلا) ترومپ را به جای خواهد کشاند که اکثر متحدان امریکا از سلطه امریکا آزاد خواهند شد و موقعیت خود را در جهان با استفاده از راهای فراگیر که ممکن است دایمی تر و سرسخت تر از تروریسم و تخریب عراق باشد تعقیب خواهند کرد.

در ونزوئلا؛ (سی آی ای) و اپوزیسیون دست راستی همان ستراتیژی را دنبال میکنند که ریس جمهور نیکسن (Nixon) در زمان زمامداری خود به سا زمان سیا دستور داد که به چیلی نیروهای عملیاتی اش را بغرض آماده گی برای کودتا اعزام نماید تا که (فریادویا چیغ اقتصادی) را در آماده سازی کودتا سال (1973) بر عهده گیرد اما پیروزی جامع حزب سوسیالیست حاکم در ونزوئلا در انتخابات اخیر ریاست جمهوری در سراسر کشور علیرغم بحران طولانی عمیق اقتصادی موجب آن شد که مردم از عروسک های سازمان (سی آی ای) در ونزوئلا حمایت نکنند .

اما (سی آی ای) موفق شد که دولت ونزوئلا را از طریق جنگ نابرابر اقتصادی و تظاهرات خیابانی دست راستی ها ونزوئلا و تبلیغات زهرآگین از پا در آورد و اما (سی آی ای) بصورت احمقانه واگن خود را به سمت یک مخالف دست راستی از کلاس بالای اپوزیسیون هل داد و یا راند کسی که در بین مردم ونزوئلا دارای کدام اعتباری هم نیست و هنوز که هنوز است او میخواهد که در انتخابات اشتراک نماید ، که کودتای (سی آی ای) و مداخله ایالات متحده امریکا شاید که به مقامت مردم مواجهه شود و به این ترتیب امکان می رود که از نظر مناسبات روابط ایالات متحده امریکا در امریکای لاتین دچار بحران واز هم گسیختگی شود .





شورشیان "متوسط" سوریه تحت حمایت ایالات متحده لیخنند می زنند، زیرا آنها یک پسر 12 ساله (چپ) آماده می کنند که سر خود را به طور پیوسته در یک قسمت بعد از این ویدئو برگزار می کند. [عکس از ویدیو یوتیوب

بوکس در کره شمالی: بمباران هوایی ایالات متحده امریکا یا (حمله پیشگیرانه) امریکا در کره شمالی ممکن است که به سرعت موجب درگیری جنگ بین ایالات متحده امریکا و چین گردد؛ و آنها به نسبت تعهد چین که در صورت حمله امریکا بالای کره چین به دفاع از کره شمالی میپردازد ولی ما فعلاً نمیدانیم که چه چیزی توسط کره شمالی در برنا مه جنگ امریکادر کره شمالی کشف و یاسراغ شده است و این راهم نمیتوانیم بدانیم که چگونه کره شمالی و چین میتوانند در صورت مواجهه شدن با امریکا پاسخ دهند.



ازمایش موشکها توسط کره شمالی
اکثر تحلیلگران از مدت های زیاد به این نتیجه رسیده اند که هرگونه حمله ایالات

متحدہ امریکا به کره شمالی با توپخانه و موشک های کره شمالی مواجهه خواهد شد. که باعث تلفات غیر قابل قبول غیر نظامیان در **سیول (Seoul)** که یک منطقه شهری دارای جمعیت (26) میلیون یا تقریباً سه برابر جمعیت شهر نیویارک را دارد خواهد شد. **سیول** از مرز با کره شمالی تنها (35) مایل فاصله دارد و آنرا در محدوده وسیعی از سلاح های کره شمالی قرار میدهد. در حال حاضر محاسبه بدون بُرد امکان پذیر است که کره شمالی با سلاح های هسته ای خود پاسخ دهد و هرگونه چشم انداز حمله ایالات متحده امریکا را به یک کابوس بد؛ بدتر تبدیل کند.

سوء مدیریت در روابط ایالات متحده امریکا با کره شمالی؛ با یک درسی عینی برای امریکا در مناسبات اش با ایران باشد که بصورت گرافیکی از مزایای دیپلماسی، مذاکرات و موافقت نامهای مربوط به تهدیدات جنگ نشان میدهد که مطابق چارچوب هماهنگی و توافق که در سال (1994) امضا شده بود کره شمالی کار خود را در دو راکتور هسته ای بزرگتر متوقف ساخت. ولی نه از کار آزمایشگاه کوچک که از سال (1986) در **یونگ بایونگ (yongbyong)** بروی آن کار میکرد که این آزمایشگاه سالانه تقریباً تنها (6) کیلوگرام **پلوتونیوم** تولید میکند که برای یک بمب هسته ای مقدار کافی میباشد. درس از حمله **بوش بالای عراق** در سال (2003) پس از **صدام حسین** با خواسته های خود (امریکا) مبنی بر نابودی مخازن سلاحهای شیمیایی عراق، با رد تعطیل قراردان برنامه هسته ای در کره شمالی حالات بجایی کشانیده شد که این حملات و مداخلات امریکا در عراق نه تنها که باعث نابودی بخش های زیادی در عراق شد بلکه صد ها هزار نفر جان خود را از دست دادند؛ صدام حسین را محکوم به مرگ حلق آویز کردند. بهر صورت بعد از آنکه کره شمالی اولین سلاح هسته ای خود را در سال (2006) آزمایش کرد؛ حتی راکتور تجربی کوچک اش که در نتیجه مذاکرات شش جانبه در سال (2007) متوقف شده بود بتاسی از همین توافقنامه شش جانبه تمام میله های سوخت خود را حذف کرد و توافق خود را نشان داد که برنامه های هسته ای اش در تحت نظارت سازمان انرژی اتمی قرار گیرد و برج خنک (سرد) کننده راکتور را در سال (2008) تخریب نمود.

کره شمالی تا کنون شش آزمایش سلاح هسته ای انجام داده است. انفجارها در پنج آزمایش اول به تدریج از (15) تا (25) کیلو تن افزایش یافت که به توان انفجار عملکرد بمب های پرتاب شده ایالات متحده امریکا در هیروشیما و ناگازاکی نبود یعنی که قدرت انفجار این بمبها نسبت به قدرت انفجار بمب های امریکا که در هیروشیما و ناگازاکی پرتاب نموده بود کم بود، اما برآورده های مربوط به عملکرد محدوده آزمایش سال (2017) کره شمالی از (110) تا (250) کیلو تن قابل مقایسه با یک بمب هایدروژنی شده است.

خطر حتی بیشتر شد دید در یک جنگ جدید در کره این است؛ که ایالات متحده آمریکا میتواند بخشی از زرادخانه ای خود را یعنی با بکار بردن (4000) سلاح قد رتمند تر (از «100» تا «1200» کیلو تن) مواد انفجاریه میلیون ها نفر را نابود؛ منطقه و جهان را برای سال ها در سال ها ویران و تخریب و مسموم کند.

تمایل ایالات متحده آمریکا برای رفع چارچوب موافقت شده در سال (2003)؛ شکستادن مذاکرات شش جانبه در سال (2009) و امتناع ایالات متحده آمریکا در پذیرفتن اینکه اقدامات و تهدیدهای نظامی اش موجب نگرانیهای امنیتی و قانونی کره شمالی خواهد شد و به این ترتیب کره شمالی را با تهدیدات خود به حاشه خواهد راندولی بهر حال آنها یک بازدارنده معتبر هسته ای را بعنوان تنها چانس خود در جلوگیری از گشتار جمعی میتوانند که بینند.

چین برای رفع معضله یک چارچوب مناسب برای دیپلماسی پیشنهاد کرده است تا نگرانی های هر دو طرف را مورد توجه قرار دهد اما ایالات متحده آمریکا اصرار دارد که روایت های تبلیغاتی خود را حفظ کند که همه ای این تقصیر ها و کوتاهی ها از سوی کره شمالی است و یگانه راه برای حل این بحران برخورد نظامی میدانند. لذا میتوان گفت که این نوع اندیشه ممکن است خطرناکترین ایده ای باشد که از زمان پایان جنگ سرد از سیاست گذاران ایالات متحده آمریکا شنیده ایم اما تهدید به جنگ و یا جنگ سازی و جنگ افروزی ایالات متحده آمریکا کاملاً انحراف و غیرقانونی از منطق نورمال سازی سیستماتیک در دیپلماسی میباشد. جنگهای که آمریکا قبلاً و همین اکنون میلیون ها نفر را در افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، سومالی، یمن و پاکستان نیست و نابود کرد و تا هنوز که هنوز است آتش جنگ را در این کشورها شعله و رساخته و به آن دامن میزند.

همانطوریکه گابریل کالکو (Gabriel Kolko) در «قرن جنگ» نوشت گزینه ها و تصمیم های که بطور ذاتی خطرناک و غیرمنطقی هستند تبدیل به یک باور منطقی نیستند بلکه تنها شکل استدلال در مورد جنگ و دیپلماسی است که در محافل رسمی امکان پذیر است

تخریب ایران: این ایده که ایران تا به حال یک برنامه تسلیحاتی هسته ای دارد به



حسن روحانی رئیس جمهور ایران بتاريخ (۲۴) نومبر سال (۲۰۱۳) جشن تکمیل معامله مقت برنامه هسته ای ایران را برگزار کرد

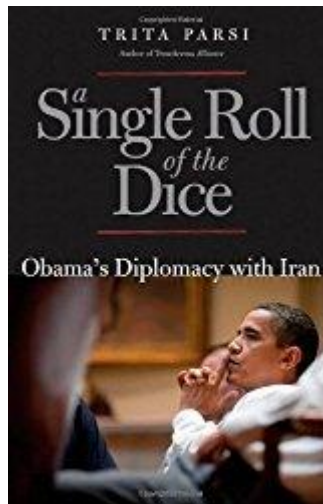
شدت توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح شده است که هرگونه اتهام ارایه شده توسط سازمان (سی‌آی‌ای) و دیگر سازمانهای «اطلاعاتی» غربی و همچنین اسرائیل را مورد بررسی قرار داده است. محمد البرادعی مدیر سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ جزئیات بسیار زیادی از این قازگرسنه‌ای وحشی را (شکار بی‌ارزش یا تعقیب بیهوده و ضایع کردن وقت) در خاطرات خود در سال (2011) یعنی «در عصر فریب: دیپلماسی هسته‌ای در زمان خیانت کاریها» خاطر نشان ساخته است؛ البرادعی هنگامیکه سازمان (سی‌آی‌ای) و شرکای ایشان نتایج تخمینی اطلاعات ملی (national intelligence Estimate=NIE) را مخفیانه در سال (2007) به ارتباط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تا بدکردند طی یک اعلامیه مطبوعاتی اظهار داشت که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هیچ مد‌رکی مبنی بر موجودیت برنامه هسته‌ای و سلاح‌های هسته‌ای و یا تاسیسات هسته‌ای غیر قانونی در ایران ندارد.

از سال (2007) آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تمام نگرانی‌های مهم خود را با ایران حل و فصل کرده است. و این تایید شده است که استفاده ایران از فن‌آوری‌های دوگانه که قبل از سال (2003) وارد شده بود در واقع برای مقاصد دیگر مورد استفاده قرار گرفت؛ و این اسناد اسرار آمیز (لپ‌تاپ) است که ظاهراً برنامه‌های ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای را بعنوان جعلی نشان میدهد. گارت پرتو (Gareth Porter) بطور کامل تمام این سوالات و اتهامات و تاریخ بی‌اعتمادی را در کتاب منتشره (2014) خود تحت عنوان «بحران تولیدی» به نشر رسانده و بطور کامل موضوعات را مورد بررسی قرار داده است. داستان ناگفته ترسناک هسته‌ای ایران را من به شدت توصیه میکنم که آنرا مرور نماید.

اما در این دنیای موازی عجیب و غریب (Parallel Bizarro) سیاست ایالات متحده آمریکا در اثر کمپین‌های تکرار در تکرار نا درست و بی‌خطای سازمان (سی‌آی‌ای) نا امید کننده و مسموم شده است و هیلاری کلنتون به ارتباط خلع سلاح ایران در هنگام مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری خود مکرراً توانست که اعتبار نادرستی بدست آورد و رنه، نه برنی ساندرز (Bernie Sander) و نه هم دونالد ترومپ و نه هم صاحب‌کننده از شرکت‌های رسانه‌ای این جرات را نداشتند که ادعاهای او را به چالش بکشانند.

هیلاری کلنتون در سخنرانی برجسته خود در ارتباط سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا مورخ (2) ماه جون سال (2016) خود ادعا کرد که بکاربرد سیاست تحریم‌های بی‌رحمانه‌ای او بود که ایران را به میز مذاکره کشانند. انچنانیکه او در این مورد گفت: بزمانیکه رییس‌جمهور (اوباما) به حیث رییس‌جمهور ایالات متحده آمریکا برچوکی ریاست جمهوری در کاخ سفید تکیه زد ایران در جهت دستیابی به بمب هسته‌ای در رقابت قرار داشت.

در واقع آنچه نیکه تریتا پارسی (Trita Parsi = نویسنده و تحلیلگر سیاسی ایرانی
الاصول امریکایی) در کتاب منتشره (2012) خود آنرا «تک ریز تا س = A single Roll
of the Dic» نامگذاری کرده است.



دیپلماتی «بارک اوباما» با ایران، ایرانی‌ها را آماده ساخت که نه فقط به میز مذاکره حاضر شوند بلکه برای امضای توافق نامه جامع براساس پیشنهاد آمریکا با پارسی در میانی ترکیه و برازیل در سال (2010) آماده شدند. مادر یک مورد کلاسیک (قضای متقابل در موارد موضوعات دیگر) از دم سگ «توصیف وضعیت توسط یک شخص و یا سازمان تصمیم‌گیرنده»؛ ایالات متحده آمریکا پیشنهاد تقدیم شده خود را رد کرد و اینک مبدا که این امر موجب شود که حمایت سازمان ملل متحد از تحریم‌های وضع شده علیه ایران کاسته شود و یا به عبارتی دیگر سیاست تحریم‌های هیلاری کلنتون ایران را به میز مذاکره نرساند و همچنان جلو ورود آمریکا را به میز مذاکره گیرد.

طوری که یک مقام ارشد وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا به تریتا پارسی گفت: مشکل اساسی و واقعی دیپلماتی ایالات متحده آمریکا با ایران زمانی که هیلاری کلنتون در وزارت امور خارجه وزیر بود پیدا شد و آن اینطور بود که ایالات متحده آمریکا (بلی برای پاسخ) را نمی‌پذیرفت، دونالد ترومپ مشت زن تازه کار برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA) ایران را مورد تا بید قرار نمیدهد و یا به آن مجوز قانونی نمیدهد و مدعی میشود که این متاع و یا «سوغات» به درستی از کتاب نامه «هیلاری کلنتون» بیرون آمده است و چنین وانمود میشود که سازمان (سی‌ای‌ای) مصمم است که ایران را در ناکامی‌ها و شکست‌های آمریکا در خاور میانه به عنوان سپر بلا (scapegoat) و یا مقتولین مورد استفاده قرار دهد.

ادعاهای دروغین مبنی بر اینکه ایران بزرگترین حامی تروریسم در جهان است یکی

دیگراز دورغ های شاخدار سازمان (سی آی ای) است که میخوهد باتبلیغات مکرر خودبه آن جامه عمل بپوشاند ویا به تقویت دروغهای خود پردازد از اینکه ایران به حزب الله و حماس اسلحه میدهد واز آنها حمایت می کند یعنی به سازمانهای که دولت امریکا آن سازمانها را در فهرست سازمانهای تروریستی درج کرده است . حالانکه آنها (حزب الله و حماس) عمدتاً گروه های دفاعی اند که از لبنان واز غزه در برابر حملات اسرائیل به دفاع می براینند ویا دفاع میکنند .

به دور از توجه به القاعده ؛ دولت اسلامی «داعش» ؛ گروه مبارزان اسلامی لیبی ؛ وگروه های دیگرکه درواقع جنایت های تروریستی را در سراسر جهان انجام میدهند ممکن است که نظیر ویا به مثل قضیه ویا مورد (سی آی ای) بنمایند ویا اعمال آنها مشا به به (سی آی ای) است آنطوریکه چشم خودرا از توپ بیرون بکشد (مهم نیست که به چیز های دیگر بنگرد ویا نگاه کند) اگر چنین نیست اکنون زمان آن رسیده است که ایران را با اتهام زنی های جدید نباید محکوم کرد چونکه اکنون بحران تولید ناخوشایند هسته ای ایران مسیر خودرا طی کرده است .

چه چیز در آینده نهفته است : بیشترین وعده ترین موفقیت « بارک اوباما » از دستاوردها در عرصه بین المللی اش پیروزی از نما دگرایی (سمبولیک) در مورد مفهومی است که به اصطلاح جنگ علیه «تروریزم» را ترویج و تشدید نمود . و هرچه گسترده تر به عملیات های مخفی و جنگ های پروکسی پرداخت و آنرا شدت بخشید که در نهایت باعث تشدید بمباران هوایی ایالات متحده امریکا از زمان ویتنام به بعد در سوریه و عراق شد .



**ریس جمهور «بارک اوباما» هنگام پذیرش جایزه نوبل از
ریس کمیته «توربجوان گلیندر» در اوسلو نروژ (10) دسمبر
سال (2009) «عکاسی کاخ سفید.»**

سحر و جذا بیت «اوباما» در این بود که او توانست که متحدان نظامی قدیمی وجدید امریکا اعم از فرانسه و بریتانیا و شاهان کشورهای عربی را با امریکا تقویه نمود و همچنان او یگانه ریس جمهور ایالات متحده امریکا میباشد که بعد از جنگ دوم

جهانی بدون سروصدا بودجه نظامی ایالات متحده امریکارا بیشتر میسازد گسترش و تشدید از جنگ و مبارزه «اوباما» با تروریزم تحت پوشش مبارزات انتخاباتی روابط عمومی فریبنده و گمراه کننده جهانی مشکلات زیادی را حل کرد که **دونالد ترومپ** و مشاوران او به آسانی قادر به حل هر یک از آنها نیستند. ابراز تمایل **دونالد ترومپ** به ارزش و امید قرار دادن امریکا در جای و مقام اول و مقاومت در برابر گرفتاری ها و درگیری های بیرونی **بیهوده و بی فایده است**. و با برخورد تهاجمی و بد بینانه اش سیاست خارجی امریکا را به مشکل مواجه ساخته و یا آنرا لکه دار نموده است.

اگر ایالات متحده امریکا میتواند و یا میتواندست راه خود را برای حل هرگونه مسائلی بین المللی اش بخطر نه اندازد و یا نمی انداخت این کار را قبلاً انجام داده است؛ این دقیقاً همان چیزی است که از دهه (1990) در تلاش آن بوده است چنانچه به دنبال و یا پشت سر هر دو خودستایی و پرسیروصدا بودن قهر و غضب **دبلیو بوش**؛ و **دونالد ترومپ** و فریبکاری های **هیلاری کلنتون** و «**اوباما**» روش و یا یک رویکرد همچو (پولیس خوب) و (پولیس بد) طور معمول دیگر نباید هر کسی؛ هر کس را فریب داد. اما همانطور که **لیندن جانسون** متوجه شد که او هرچه عمیق و عمیقتر به وادی بزرگ ویتنام می اندیشد؛ ولی دروغ گفتن به عموم مردم در مورد جنگ های غیر قابل پیش بینی نه تنها که مورد پسند و ستایش مردم قرار نمیگیرد بلکه این فقط دامی برای کشته شدن بیشتر افراد چیزی دیگری نیست و این خود حقیقت تلخ را بخور مردم میدهد. در جنگ های غیر منتظره و تحمیلی برپایه دروغ ها مشکل (و یا اعتبار) محضاً هرچه پیچیده تر میشود؛ چراکه دروغ های جدید نیازمند باورهای جدید و روایت های پیچیده تر میباشند تا که گورستانهای پراز دروغ قدیمی را توضیح دهد. پس خیره چشمی عجیب و غریب جهانی «اوباما» هشت سال دیگر جنگ علیه «تروریزم» را خریداری کرد. اما تنها به (سی آی ای) اجازه داد تا ایالات متحده امریکارا به مشکل بیشتر بکشاند و هرج و مرج خود را به مکان ها و جاهای بیشتری در سراسر جهان گسترش دهد.

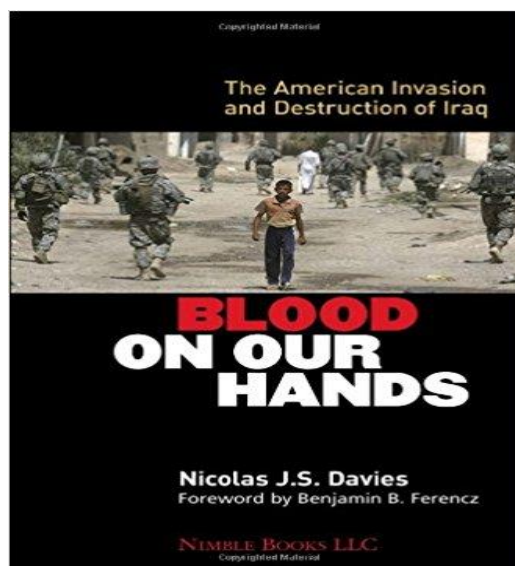
در همین حال رئیس جمهور روسیه «**ولادیمیر پوتین**» خواستار تجدید نظر در قبال قوانین بین المللی است و او در مورد میگوید که تهدید با استفاده از نیروی نظامی را به جز در دفاع از خود باید قدغن کرد یعنی نباید نیروی نظامی را در هر مورد بجز در دفاع از خود بکاربرد؛ هر تهدید یا هر اقدام جدید نظامی و تجاوز ایالات متحده امریکا در هر گوشه ای از جهان فرموده پوتین را قوت بیشتر میدهد مخصوصاً برای متحدان نزدیک و مهم امریکا مانند کره جنوبی، آلمان و سایر اعضای اتحادیه اروپا که همکاری های آنها در تجاوز امریکا بالای کشورهای دیگر کاملاً مشهود و آشکار است قوت های اند که به مشروعیت سیاسی دروغین امریکا روکش و یاپوشش میدهند یعنی که سیاست دروغین امریکارا روکش مشروعیت میدهند.

در طول تاریخ سلسله تجاوزات پیاپی ایالات متحده امریکا وضع متدرجاً طوری بخود

شکل گرفته که باعث برانگیختن و یک پارچه شدن اپوزیسیون در مقابل این تجاوزت شده است؛ زیرا کشورهای صلح دوست و مردم صلحخواه جهان با اشتیاق تمام برای تا مین صلح احتیاج به حسن اعتماد متقابل دارند، فرانسه تحت رهبری «نابلیون» و آلمان تحت رهبری «ادولف هیتلر» که نیز خود را بعنوان رهبران ذیحق و استثنای میدانستند و هر کدام شان دارای شیوه تفکر و روش مختص بخود بودند که در نهایت امر اعتقاد و کنش آنها استثما رگرایی بود زمینه چنان مساعد شد؛ که آنها مواجهه به شکست شدند و در زباله دان تاریخ برای ابد فرو رفتند.

امریکایی ها امیدوارتر بر آن اند که ما بیشتر استثنای و یا جدی نبوده و جها نیان راه حل دیپلماتیک و نه یک راه حل نظامی را برای مشکل امریکاسراع خواهند کرد در صورتیکه مقامات و سیاستمداران امریکا در نهایت امر شروع به فعالیت و یا اقدام به چیزی غیر از خمیر کردن باستان (سی آی ای) کنند، در آن صورت چانس زنده ماندن ما کاملا بهبود خواهد یافت.

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله: نیکلاس جی. اس. دویوس نویسنده کتاب (**خون در دست ما است**)؛ تهاجم و تخریب امریکا در عراق؛ او همچنان در فصلنامه (44) رییس جمهور فصل ها و چپترها درباره «اوباما در جنگ» نوشته (یک گزارش تحت نام کارت اول «بارک اوباما» بعنوان رهبر پیشرو.



با تقدیم سلامها «2017-11-10»